

فرہنگ موضوعی ادب پارسی

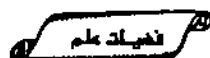
ویرہ

لسلی و مجنون نظامی

بہ ہمراہ متن کامل آن

تصحیح و تالیف: قادر فاضلی

سر شناسه : نظامی ، الیاس بن یوسف ، ۲۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق .
 عنوان و نام پدید آور : فرهنگ موضوعی ادب پارسی ویژه لیلی و مجنون / تصحیح و تألیف قادر فاضلی .
 مشخصات نشر : تهران : فضیلت علم ، ۱۳۸۷ .
 مشخصات ظاهری : ۴۵۲ ص .
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۹۳-۲۱-۸
 وضعیت فهرستنویسی : فیا .
 یادداشت : نمایه
 عنوان قرار دادی : لیلی و مجنون .
 موضوع : نظامی ، الیاس بن یوسف ، ۲۵۳۰ - ۹۶۱۴ ق . لیلی و مجنون -- فهرست مطالب .
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۶ ق .
 شناسه افزوده : فاضلی ، قادر ، ۱۳۴۱ - . مصحح .
 رده بندی کنگره : پ ۵۱۳۰۱۳۸۷ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۵۱/۲۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۱۱۸۶۳



عنوان کتاب : فرهنگ موضوعی ادب پارسی ویژه لیلی و مجنون
 تصحیح و تألیف : قادر فاضلی
 حروفچینی : پلیکان
 نوبت چاپ : اول ۱۳۸۹
 تعداد : ۲۰۰۰ جلد
 لیوگرافی : الهادی
 چاپخانه : الهادی
 ناشر : فضیلت علم
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۹۳-۲۱-۸ ISBN:978-964-7393-21-8
 قیمت دوره ۶ جلدی : ۶۵۰۰۰ تومان
 تلفن مرکز پخش : ۰۲۱-۶۶۴۳۶۶۹۶ ۰۲۱-۶۶۴۳۹۹۲۶

فهرست

متن لیلی و مجنون

۵۵	فراموشی در عمر	۱۱	مقدمه
۵۶	به ترک فروتنی و افتادگی گفتن	۱۵	متن لیلی و مجنون
۵۶	تمثیل	۱۷	کتاب لیلی و مجنون
۵۶	بیداد کش نباید بود	۲۲	نعت پیغمبر اکرم ﷺ
۵۷	به ترک خدمت پادشاهان گفتن	۲۵	معراج پیغمبر
۵۷	به رزق کار کسان دست اندازی نباید کرد	۲۸	برهان قاطع در حدوث آفرینش
۵۷	خرسندی و قناعت	۲۹	آغاز برهان
۵۸	با نشاط خدمت به خلق کردن	۳۳	سبب نظم کتاب
۵۸	افتادگی جوی تا بلند شوی	۳۸	در مدح شروان شاه اخستان بن منوچهر
۵۹	در خلوت به سخن سرایی پرداختن	۴۲	خطاب زمین بوس
۶۰	آغاز داستان	۴۴	سپردن فرزند خویش به فرزند شروان شاه
۶۴	عاشق شدن لیلی و مجنون به یکدیگر	۴۶	در شکایت حسودان و منکران فرماید
۶۷	در صفت عشق مجنون	۴۹	عذر شکایت
۶۹	رفتن مجنون به نظاره لیلی	۵۰	در نصیحت فرزند خود محمد نظامی
۷۱	رفتن پدر مجنون به خواستگاری لیلی	۵۲	خوبی کم گویی
۷۴	زاری کردن مجنون در عشق لیلی	۵۳	ساقی نامه
۷۹	بردن پدر، مجنون را به خانه کعبه	۵۳	یاد کردن بعضی از گذشتگان خویش
۸۲	آگاهی پدر مجنون از قصد قبیلۀ لیلی	۵۳	یادآوری از پدر
۸۶	پند دادن پدر مجنون را	۵۴	یاد مادر خود ریسه کرد
۸۹	جواب دادن مجنون پدر را	۵۴	یادآوری از خال خود خواجه عمر
۹۱	حکایت	۵۴	یاد از همدان رفته و همدی با دیگران
۹۲۳	در احوال لیلی	۵۵	فراموشی از پیکر و جسم
۹۷	رفتن لیلی به تماشای بوستان	۵۵	فراموشی از سرافرازی

رسیدن نامه لیلی به مجنون ۱۶۷	خواستاری ابن سلام لیلی را ۱۰۱
مقاد نامه لیلی به مجنون ۱۷۲	رسیدن نوفل به مجنون ۱۰۳
نامه مجنون در پاسخ لیلی ۱۷۵	عتاب کردن مجنون با نوفل ۱۰۷
آمدن سلیم عامری، به دیدن او ۱۷۹	جنگ کردن نوفل با قبیله لیلی ۱۰۸
حکایت ۱۸۱	عتاب کردن مجنون با نوفل ۱۱۲
دیدن مجنون مادر را ۱۸۳	مصاف کردن نوفل بار دوم ۱۱۴
آگاهی مجنون از وفات مادر ۱۸۶	رهانیدن مجنون آهوان را ۱۱۸
خواندن لیلی مجنون را ۱۸۹	آزاد کردن مجنون گوزنان را ۱۲۱
غزل خواندن مجنون نزد لیلی ۱۹۳	سخن گفتن مجنون با زاغ ۱۲۴
آشنا شدن سلام بغدادی با مجنون ۱۹۶	بردن پیرزن مجنون را در خرگاه لیلی ۱۲۶
پاسخ مجنون به سلام بغدادی ۱۹۸	دادن پدر لیلی را به ابن سلام ۱۲۹
صفت بزرگواری مجنون ۲۰۱	بردن ابن سلام لیلی را به خانه خود ۱۳۳
صفت عشق زید با زینب ۲۰۳	آگاهی مجنون از شوهر کردن لیلی ۱۳۵
وفات یافتن ابن سلام شوهر لیلی ۲۰۹	شکایت کردن مجنون با خیال لیلی ۱۳۸
خبرکردن زید مجنون را از وفات شوهر لیلی ۲۱۳	رفتن پدر مجنون به دیدن فرزند ۱۴۱
نیایش کردن لیلی با خدای عزوجل ۲۱۶	جواب دادن مجنون پدر را ۱۴۶
رسیدن لیلی و مجنون به یکدیگر ۲۱۷	وداع کردن مجنون پدر را ۱۴۸
صفت رسیدن خزان در گذشتن لیلی ۲۲۶	آگاهی مجنون از مرگ پدر ۱۵۱
زاری کردن مجنون در مرگ لیلی ۲۳۰	انس مجنون با وحوش و سیاح ۱۵۴
آمدن سلام بغدادی به دیدن مجنون بار دوم ۲۳۳	حکایت ۱۵۷
وفات مجنون بر روضه لیلی ۲۳۶	نیایش مجنون به درگاه خدای تعالی ۱۶۰
آگاهی قبیله مجنون از وفات وی ۲۳۸	نیایش مجنون با زهره ۱۶۳
به خواب دیدن زید لیلی و مجنون رادر بهشت ۲۴۰	نیایش مجنون با مشتری ۱۶۴
ختم کتاب به نام شروان شاه ۲۴۳	نیایش مجنون به درگاه یزدان ۱۶۵

فهرست فرهنگ موضوعی

لیلی و مجنون

۲۴۹	مقدمه	۱۸- پاکی	۲۶۶
	آ- الف	۱۹- پدر و پسر	۲۶۶
۲۵۱	۱- آدمیت	۲۰- پرده هستی	۲۶۸
۲۵۱	۲- آیه	۲۱- پرهیز	۲۶۹
۲۵۳	متن و ترجمه آیات	۲۲- پیامبر اکرم ﷺ	۲۶۹
۲۵۶	۳- آیینہ	۲۳- پیامبر اکرم (معراج پیامبر)	۲۷۱
۲۵۶	۴- ابن سلام (خواستگار لیلی)	ت	
۲۵۷	۵- ابن سلام (مرگ او)	۲۴- ترکی	۲۷۴
۲۵۹	۶- احادیث	۲۵- تقدیر و تدبیر	۲۷۴
۲۶۰	متن و ترجمه احادیث	۲۶- تلاش	۲۷۵
۲۶۱	۷- احرام	۲۷- تلاش و کوشش	۲۷۵
۲۶۱	۸- احسان	۲۸- تمثیلات	۲۷۵
۲۶۱	۹- اختیار	۲۹- تواضع	۲۷۵
۲۶۱	۱۰- اخلاق	۳۰- تواضع و تکامل	۲۷۶
۲۶۳	۱۱- استعداد و قابلیت ها	۳۱- تواضع و تکبر	۲۷۶
۲۶۳	۱۲- اعتدال	۳۲- توفیق الهی	۲۷۶
۲۶۳	۱۳- امیدواری	ج- ج	
۲۶۳	۱۴- انسان (خلقت او)	۳۳- جان حیوان	۲۷۷
۲۶۴	۱۵- انسان و جهان	۳۴- جبر	۲۷۷
۲۶۴	۱۶- انسان و حیوان	۳۵- جزء و کل	۲۷۸
	ب- ب	۳۶- جسم	۲۷۸
۲۶۵	۱۷- بهاریه	۳۷- جمال لیلی	۲۷۸

۲۹۲	۶۸- زن
۲۹۳	۶۹- زیبایی
۲۹۳	۷۰- زی فردی
۲۹۴	۷۱- زید و زینب

س-ش

۲۹۷	۷۲- سازش
۲۹۷	۷۳- ساقی نامه
۲۹۹	۷۴- سبکیاری
۲۹۹	۷۵- سخن
۲۹۹	۷۶- سخنرانی (آئین آن)
۳۰۰	۷۷- سخن گفتن
۳۰۰	۷۸- سلطان مرو
۳۰۲	۷۹- شادی بی هنگام
۳۰۲	۸۰- شجاعت، ۸۱- شخصیت
۳۰۳	۸۲- شروان شاه
۳۰۹	۸۳- شعر
۳۱۰	۸۴- شعر و نشاط
۳۱۰	۸۵- شکر نعمت
۳۱۰	۸۶- شناخت
۳۱۲	۸۷- شهرت و آفات آن
۳۱۳	۸۸- شیردلی
۳۱۳	۸۹- شیفتگی

ص

۳۱۴	۹۰- صبر
۳۱۴	۹۱- صلح

ع-غ

۳۱۶	۹۲- عاشق (اروصاف او)
۳۱۶	۹۳- عاشق و معشوق
۳۱۷	۹۴- عاشق و معشوق (اتحاد آنها)
۳۱۷	۹۵- عاقل
۳۱۷	۹۶- عبرت
۳۱۸	۹۷- عشق
۳۱۸	۹۸- عشق جاوید

۲۷۹	۳۸- جوانی
۲۷۹	۳۹- جوهر فرد
۲۷۹	۴۰- چین

ح-خ

۲۸۰	۴۱- حرکت
۲۸۱	۴۲- خانه
۲۸۱	۴۳- خدا
۲۸۴	۴۴- خدا (کرم الهی)
۲۸۵	۴۵- خدا (حرز الهی)
۲۸۵	۴۶- خدا (علم الهی)
۲۸۵	۴۷- خدا (عنایت الهی)
۲۸۵	۴۸- خدا و انسان
۲۸۵	۴۹- خدا و خلقت
۲۸۵	۵۰- خدمت خلق
۲۸۵	۵۱- خرسندی
۲۸۶	۵۲- خلاف
۲۸۶	۵۳- خلفای راشدین
۲۸۶	۵۴- خنده
۲۸۶	۵۵- خود
۲۸۷	۵۶- خودشناسی
۲۸۷	۵۷- خوشی ناپایدار

د

۲۸۸	۵۸- داد و ستد
۲۸۸	۵۹- دنیا
۲۸۹	۶۰- دوری از پادشاهان
۲۸۹	۶۱- دوستی
۲۸۹	۶۲- دولت

ز-ژ

۲۹۰	۶۳- رسم عرب
۲۹۰	۶۴- زعفران
۲۹۰	۶۵- زاهد و پادشاه
۲۹۱	۶۶- زخم زبان
۲۹۱	۶۷- زمین و آسمان

۱۲۹- لفظ و معنی ۳۳۸
 ۱۳۰- لیلی (خواستگاری از او) ۳۳۹
 ۱۳۱- لیلی (در فراق مجنون) ۳۴۱
 ۱۳۲- لیلی (عفت او) ۳۴۲
 ۱۳۳- لیلی (مرگ او) ۳۴۳
 ۱۳۴- لیلی (نامه او به مجنون) ۳۴۵
 ۱۳۵- لیلی (وصف جمال او) ۳۴۷
 ۱۳۶- لیلی ازدواج با ابن سلام ۳۴۸
 ۱۳۷- لیلی بعد از مرگ شوهرش ۳۵۰
 ۱۳۸- لیلی و مجنون (آشنایی آنها) ۳۵۱
 ۱۳۹- لیلی و مجنون (ملاقاتشان) ۳۵۳
 ۱۴۰- مثنوی لیلی و مجنون ۳۵۴
 ۱۴۱- مجنون (نامه او به لیلی) ۳۵۸
 ۱۴۲- مجنون (بعد از خواستگاری) ۳۶۱
 ۱۴۳- مجنون (بعد از وفات) ۳۶۳
 ۱۴۴- مجنون (پدر او) ۳۶۴
 ۱۴۵- مجنون (پدر او در جستجوی او) ... ۳۶۶
 ۱۴۶- مجنون (پند پدر او) ۳۶۶
 ۱۴۷- مجنون (جواب پدر) ۳۶۸
 ۱۴۸- مجنون (حالات او) ۳۷۰
 ۱۴۹- مجنون (حقیقت عشق او) ۳۷۱
 ۱۵۰- مجنون (در فراق لیلی) ۳۷۲
 ۱۵۱- مجنون (در مرگ مادر) ۳۷۳
 ۱۵۲- مجنون (شعر خواندنش به لیلی) ... ۳۷۴
 ۱۵۳- مجنون (عاشق شدن او) ۳۷۶
 ۱۵۴- مجنون (عشق به لیلی) ۳۷۸
 ۱۵۵- مجنون (کودکی او) ۳۷۹
 ۱۵۶- مجنون (مرگ او) ۳۸۰
 ۱۵۷- مجنون (ملاقات با پدر) ۳۸۱
 ۱۵۸- مجنون (ملاقات با لیلی) ۳۸۳
 ۱۵۹- مجنون (ملاقات با مادر) ۳۸۴
 ۱۶۰- مجنون بر خاک پدر ۳۸۶
 ۱۶۱- مجنون در حج ۳۸۷

۹۹- عشق مجنون (حقیقت آن) ۳۱۹
 ۱۰۰- عشق و استغنا ۳۲۳
 ۱۰۱- عشق و توبه ۳۲۳
 ۱۰۲- عشق و جانبازی ۳۲۴
 ۱۰۳- عشق و دلتنگی ۳۲۴
 ۱۰۴- عشق و شادی ۳۲۴
 ۱۰۵- عشق و عاشق ۳۲۴
 ۱۰۶- عشوه ۳۲۵
 ۱۰۷- عفت لیلی ۳۲۵
 ۱۰۸- علم حقیقی ۳۲۶
 ۱۰۹- عُمر ۳۲۶
 ۱۱۰- عمل و جزا ۳۲۷
 ۱۱۱- عهد ۳۲۷
 ۱۱۲- غار و مار ۳۲۸
 ۱۱۳- غذای مجنون ۳۲۸
 ۱۱۴- غم نهان ۳۲۸

ف- ق

۱۱۵- فرزند نظامی و شروان شاه ۳۲۹
 ۱۱۶- فلسفه آفرینش ۳۳۰
 ۱۱۷- قدر ۳۳۳
 ۱۱۸- قرب و بُعد ۳۳۳
 ۱۱۹- قضا و قدر ۳۳۳
 ۱۲۰- قناعت ۳۳۴

ک- گ

۱۲۱- کار ۳۳۶
 ۱۲۲- کار تمام ۳۳۶
 ۱۲۳- کم‌گویی ۳۳۶
 ۱۲۴- کیمیای الهی ۳۳۷
 ۱۲۵- گستاخی ۳۳۷
 ۱۲۶- گنج و رنج ۳۳۷
 ۱۲۷- گیاه‌خواری ۳۳۷

ل- م

۱۲۸- لطف و قهر ۳۳۸

۳۸۹	۱۶۲- مجنون در مرگ لیلی	۴۱۶	۱۸۹- نظامی
۳۹۱	۱۶۳- مجنون (عتاب او با نوفل)	۴۱۷	۱۹۰- نظامی (عفت کلام)
۳۹۲	۱۶۴- مجنون و پدرش	۴۱۷	۱۹۱- نظامی (فرزند او)
۳۹۳	۱۶۵- مجنون و زاغ	۴۱۸	۱۹۲- نظامی و پدر او
۳۹۴	۱۶۶- مجنون و ستاره زهره	۴۱۸	۱۹۳- نظامی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۳۹۵	۱۶۷- مجنون و ستاره مشتری	۴۱۸	۱۹۴- نظامی و حسودان وی
۳۹۵	۱۶۸- مجنون و سلام بغدادی	۴۲۰	۱۹۵- نظامی و خودستایی
۳۹۶	۱۶۹- مجنون و صیاد	۴۲۱	۱۹۶- نظامی و دایی او
۳۹۸	۱۷۰- مجنون و طناب پیرزن	۴۲۱	۱۹۷- نظامی و علم نجوم
۴۰۰	۱۷۱- مجنون و گوزن	۴۲۴	۱۹۸- نظامی و مادر او
۴۰۱	۱۷۲- مجنون و نوفل	۴۲۴	۱۹۹- نظم عالم
۴۰۶	۱۷۳- مجنون و وحوش	۴۲۴	۲۰۰- نقد
۴۰۷	۱۷۴- مجنون و وداع پدرش	۴۲۶	۲۰۱- نقش فرزند
۴۰۸	۱۷۵- مرگ	۴۲۶	۲۰۲- نماز
۴۰۹	۱۷۶- مرگ و زندگی	۴۲۶	۲۰۳- نوفل و شکست قبیله لیلی
۴۰۹	۱۷۷- مسنی نخستین	۴۲۹	۲۰۴- نوفل و قبیله لیلی
۴۰۹	۱۷۸- مسنی و شیفتگی	۴۳۱	۲۰۵- نیایش
۴۰۹	۱۷۹- مصلحت	۴۳۵	۲۰۶- نیکی و بدی
۴۱۰	۱۸۰- می	۴۳۶	۲۰۷- وجوب و امکان
۴۱۱	۱۸۱- می گره گشا	۴۳۶	۲۰۸- وحدت و اتحاد
	ن- و	۴۳۶	۲۰۹- وطن

ه- ی

۴۱۲	۱۸۲- ناکس	۴۳۷	۲۱۰- هدفمندی جهان
۴۱۲	۱۸۳- نامه	۴۳۷	۲۱۱- همدمی
۴۱۲	۱۸۴- نتیجه اعمال	۴۳۷	۲۱۲- هنرمند
۴۱۳	۱۸۵- نصیحت	۴۳۷	۲۱۳- یار بی وفا
۴۱۳	۱۸۶- نصیحت به فرزند خود	۴۳۸	۲۱۴- اشعار برگزیده
۴۱۴	۱۸۷- نصیحت شاه	۴۵۱	فهرست اعلام متن
۴۱۵	۱۸۸- نظام احسن		

مقدمه

این اثر سومین منظومه نظامی است که بیش از ۴۰۰۰ بیت دارد. موضوع کتاب قصه قیس بنی عامر است که عاشق دختری به نام لیلی شده است. شدت عشق وی به لیلی و محرومیت او از وصال، وی را به سرحد جنون کشیده از این رو بعدها به مجنون عامری لقب یافت. نظامی در خلق این اثر ظاهراً گوی سبقت را از همگان ربوده و آنقدر در شاعران بعد از خود تأثیر نهاده است که همه به تقلید از وی مثنوی‌های متعددی به همین نام ساخته‌اند. نظامی داستان لیلی و مجنون را به خواهرش خاقان کبیر ابوالمظهر اخستان شاه سروده است. که در قرن ششم به منطقه شروان و خزران و بخش زیادی از حوزه قفقاز حکومت می‌کرد. آنچه از اشعار مثنوی لیلی و مجنون برمی‌آید این است که حکیم نظامی در دوران کهنولت سنی و ضعف پیری به خواهرش سلطان وقت و تشویق فرزندش محمد و با توکل به خدا اقدام به سرودن این منظومه نموده است. البته خود نظامی از قرار معلوم قصد سرودن منظومه‌ای را داشته، ولی مقارنت خواهرش سلطان از نظامی باعث شده است وی کارش را با مثنوی مورد درخواست پادشاه آغاز کند. او خود در سبب نظم کتاب لیلی و مجنون چنین می‌گوید:

روزی به مبارکی و شادی	بودم به نشاط کیقبادی
ایروى هلالیم گشاده	دیسوان نظامیم نهاده
آیینۀ بخت پیش رویم	اقبال به شانه کرده رویم
در خاطرَم اینکه وقت کار است	کاقبال رفیق و بخت یار است
تا کی نفس تهی گزینم	وز شغل جهان تهی نشینم

بر ساز جهان نوا توان ساخت
 همان دولت اگر بسزرگواری
 در حال رسید قاصد از راه
 بنوشته به خط خوب خویشم
 کای محرم حلقه غلامی
 از چاشنی دم سحرخیز
 خواهم که به یاد عشق مجنون
 چون لیلی بکر اگر توانی
 بسالای هزار عشق نامه
 چون حلقه شاه یافت گوئیم
 نه زهره که سر ز خط بتایم
 سرگشته شدم در آن خجالت
 کس محرم نه که راز گویم
 فرزند محمد نظامی
 این نسخه چو دل نهاد بر دست
 داد از سر مهر پای من بوس
 خسرو شیرین چو یاد کردی
 لیلی مجنون بسابدت گفت
 این نامه نغز گفته بهتر
 خاصه ملکی چو شاه شروان
 این نامه به نامه از تو در خواست
 گفتم سخن تو هست بر جای
 چون شاه جهان به من کند باز
 با این همه تنگی مسافت
 کز خواندن او به حضرت شاه

کان راست جهان که با جهان ساخت
 کردی ز من التماس کاری
 آورد مثال حضرت شاه
 ده پانزده سطر نغز بیشم
 جادو سخن جهان نظامی
 سحری دگر از سخن برانگیز
 رانی سخنی چو در مکنون
 بکری دو سه در سخن نشانی
 آراسته کن به نوک خامه
 از دل به دماغ رفت هوشم
 نه دیده که ره به گنج یابم
 از سستی عمر و ضعف حالت
 وین قصه به شرح باز گویم
 آن بر دل من چو جان گرامی
 در پهلوی من چو سایه بنشست
 کسی آنکه زدی بر آسمان کوس
 چندین دل خلق شاد کردی
 تسا گوهر قیمتی شود جفت
 طاووس جوانه خفته بهتر
 شروان چه که شهریار ایران
 بنشین و طرازنامه کن راست
 ای آینه روی آهستین رای
 کاین نامه به نام من بپرداز
 آنجاش رسانم از لطافت
 ریسزد گهر نسفته بر راه

خواننده‌ش از فسرده باشد عاشق شود از نمرده باشد
 می‌بینیم که نظامی قبل از نامه پادشاه میل به انجام کاری ادبی و منظوم داشته، ولی پیری و
 سستی مانع از انجام کار می‌شد که نامه سلطان بهانه‌ای شد تا او اقدام به کار کند.
 در بیت آخر، فلسفه و حکمتی دیگر برای سرودن این منظومه بیان شده است که عبارت
 است از افسردگی و ایجاد اشتیاق در جامعه. می‌گوید: هر کس این اثر را بخواند هر قدر افسرده و
 دل‌مرده باشد به شوق آمده و به زندگی علاقه‌مند می‌شود. بنابراین می‌توان گفت این اثر در بعد
 اجتماعی و روانی و اخلاقی کار هزاران روانپزشک و مشاور را انجام می‌دهد.
 نظامی این اثر را نیز همانند سایر آثارش می‌ستاید و آن را بحر روان لقب می‌دهد. هم زیبایی
 ظاهر و هم غنای باطن‌اش را ستوده و می‌گوید: تاکنون کسی چنین اثری خلق نکرده است. علاوه
 بر این مثنوی لیلی و مجنون نمکی است بر زخم عاشقان و نمکدانی در سفره صاحبان کرم.

هر جا که به دست عشق خوانی‌ست	این قصه بر او نمک فشانی‌ست
گر چه نمک تمام دارد	بر سفره کباب خام دارد
کس دُر نه به قدر او فشانده است	زین روی برهنه روی مانده است
چون دل دهی جگر شنیدم	دل دوختم و جگر دریدم
در جستن گوهر ایستادم	کان‌کندم و کیمیا گشادم
راهی طلبید طبع کوتاه	کساندیشه بُد از درازی راه
کوته‌تر از این نبود راهی	چابک‌تر ازین میانه گاهی
بحری است سبک ولی رونده	ماهیش نه مرده بلکه زنده
بسیار سخن بدین حلاوت	گویند و ندارد این طراوت
زین بحر ضمیر هیچ غواص	بر نارد گوهری چنین خاص
هر بیتی از او چو رسته دُر	از عیب تهی و از هنر پر
در جستن این متاع نفزّم	یک مسوی نبود پای لغزّم
می‌گفتم و دل جواب می‌داد	خاریدم و چشمه آب می‌داد